

## Examining the Category of Tolerance in Quranic and Religious Culture

### ARTICLE INFO

*Article Type*  
Research Article

#### Authors

Seyed Mohsen Rezaei<sup>1</sup>  
Abdulreza Mazaheri<sup>2\*</sup>  
Seyyed Fatemeh Hashemi<sup>3</sup>

#### How to cite this article

Seyed Mohsen Rezaei, Abdulreza Mazaheri, Seyyed Fatemeh Hashemi, Examining the Category of Tolerance in Quranic and Religious Culture, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 7(4): 81-89.

1. PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Full Professor, Department of Philosophy and Religions, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author).
3. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

#### \* Correspondence:

Address:  
Phone:  
Email: mazaheri711@yahoo.com

#### Article History

Received: 2022/11/11  
Accepted: 2023/01/18

### ABSTRACT

Tolerance and tolerance, whether in individual life or in social life, is one of the categories that Islam has always paid attention to and has called its followers to adhere to this important principle and practice it in all times and conditions. In the present research, which was written with a descriptive analytical approach and using library sources, an effort has been made to explain this important issue of tolerance and its examples in Quranic and religious culture. In order to achieve this goal, first the literal and idiomatic meaning of tolerance is mentioned with reference to the most reliable books, and then various examples of tolerance both in the Qur'an and in the thoughts of the Holy Prophet (PBUH) and Imam Ali (AS) are stated. and has been reviewed. The most important achievements of this research is that both in the Holy Qur'an and in the life of the Prophet (PBUH) and Imam Ali (PBUH), the social aspect of tolerance was given more attention and this issue is considered as one of the main factors. The maintenance of favorable relations between the members of the society and following that, the persistence and movement of the society in the path of progress were introduced. Mentioning verses and hadiths relevant to this issue in the current research is a good confirmation of this.

**Keywords:** Holy Quran, Islamic Culture, Tolerance, Tolerance

## بررسی مقوله‌ی تساهل در فرهنگ قرآنی و دینی

سید محسن رضایی

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

عبدالرضا مظاهری

استاد تمام، گروه فلسفه و ادیان، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل).

سید فاطمه هاشمی

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## چکیده

تساهل و مدارا کردن خواه در زندگی فردی و خواه در زندگی اجتماعی یکی از مقوله‌هایی است که دین اسلام همواره به آن توجه داشته و پیروان خود را به پایبندی به این اصل مهم و عملی کردن آن در تمامی اوقات و شرایط فراخوانده است. در پژوهش حاضر که با رهیافت توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای به رشته‌ی تحریر در آمده، تلاش شده است تا این مسأله‌ی مهم یعنی تساهل و مصادیق آن در فرهنگ قرآنی و دینی به خوبی تبیین گردد. برای رسیدن به این مقصود ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی تساهل با استناد به معتبرترین کتاب‌ها ذکر شده و پس از آن نیز مصادیق گوناگون تساهل هم در قرآن و هم در اندیشه‌ی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع)، بیان و بررسی گردیده است. مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش آن است که هم در قرآن کریم و هم در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) جنبه‌ی اجتماعی تساهل بیشتر مورد توجه بود و این مسأله به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل حفظ روابط مطلوب میان افراد جامعه و به دنبال آن، پابرجایی و حرکت جامعه در مسیر پیشرفت معرفی گردید. ذکر آیات و احادیث متناسب با این موضوع در پژوهش حاضر، به خوبی مؤید این امر است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، فرهنگ اسلامی، تساهل، مدارا..

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸

\*نویسنده مسؤل: mazaheri711@yahoo.com

## مقدمه

واژه‌ی «تساهل» یکی از اصطلاحات بسیار بحث‌برانگیزی است که در چند سال اخیر توجه شمار زیادی از افراد را به خود جلب کرده است. این مقوله در فرهنگ قرآنی و دینی ما مسلمانان از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و به خاطر معنای و مصادیق متعددی که هر کس به نوبه‌ی خود برای این واژه ذکر و معرفی می‌کند، جنجال‌هایی را در برخی از مجامع به دنبال داشته است. اشخاصی که به دنبال معنای دقیق و مدلول‌های واقعی این واژه هستند همواره دیدگاه‌های مختلفی را درباره‌ی آن مطرح می‌کنند تا جایی که برخی از افرادی که قصد خدشه وارد کردن به مفاهیم دینی را دارند، در تلاش هستند که مسأله‌ی تساهل که دین اسلام بسیار به آن پرداخته و پیروان خود را به آن فراخوانده است را به مسائلی مانند بی‌خیالی، کاهلی، ضعف، بی‌تفاوتی و سایر مفاهیم منفی از این قبیل ربط بدهند. اما اگر نیک‌نگریم و به آیات و احادیثی که به این مقوله پرداخته‌اند اهتمام ورزیم، به خوبی متوجه می‌شویم که مقوله‌ی «تساهل» از نظر عقلی امری کاملاً کارساز است و پایبندی به اجرای آن در زمینه‌های مختلف می‌تواند به خوبی موجبات یک زندگی مسالمت‌آمیز و توأم با آرامش را فراهم سازد. همچنین باید این نکته را نیز یادآور شد که از آن‌جا که اسلام، دین سازش است پس هرگونه سازگاری بجا و شایسته و رفتار حاکی از محبت و گذشت را کاملاً قبول دارد و مردم را نیز به آن تشویق می‌کند. در قرآن کریم و برخی از روایات اسلامی به خوبی می‌توانیم مصادیق بارز و برجسته‌ای برای انواع مختلف تساهل پیدا کنیم و با بررسی دقیق و مستند آن‌ها، راه را بر هر گونه شک و شبهه در این زمینه ببندیم.

ناگفته نماند که به خاطر شبهه‌ناک بودن بحث «تساهل» و برداشت‌های مختلف و گاه منفی از آن، ضرورت دارد که با استناد به آیات قرآن کریم و برخی از روایات اسلامی، به شفاف‌سازی این امر پرداخته شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است و پس از بررسی انواع مختلف تساهل در قرآن کریم و آموزه‌های دین اسلام، تلاش شده است تا پاسخ پرسش‌های ذیل تبیین گردد:

- ۱- نموده‌های مختلف تساهل در قرآن کریم کدامند؟
- ۲- مقوله‌ی تساهل در اندیشه‌ی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) چگونه تجلی یافته است؟
- ۳- کدام یک از انواع تساهل در قرآن کریم و دین اسلام بیشتر مورد تأکید است؟
- ۴- پیامدهای تساهل چگونه خود را در زندگی فردی و جمعی نشان می‌دهند؟

## پیشینه تحقیق

در رابطه با پیشینه‌ی این تحقیق باید گفت که پس از کنکاش فراوان، پژوهش‌های زیر یافت شد که به ترتیب بررسی و مهم‌ترین دستاوردهای آن‌ها ذکر گردیده است.

«نقطه‌ی مقابل تسامح و تسامح، خشونت است و در اصطلاح، عبارت است از هر گونه اقدام علیه دیگری که ایجاد ترس و یا ناراحتی نماید و یا دست کم مطلوب و خوشایند طرف مقابل نباشد. این اقدام می‌تواند شامل اقدام فیزیکی مانند ضرب و جرح و قتل و یا اقدام معنوی مانند تهدید و توهین و تحقیر و یا حتی ایستادگی کردن و کوتاه نیامدن از یک عقیده و یا رفتار در برابر دیگری گردد» (۴). در این مجال باید یادآوری کرد که برخی از عناصر باید در تساهل مورد توجه قرار گیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از «وجود اختلاف نظر و سلیقه‌های متنوع و متفاوت، ناخرسندی، آگاهی، توانایی» از این رو در مورد گروهی از مردم که با هم عقاید مشترک دارند و در عین حال بدون اختلاف با هم زندگی می‌کنند نمی‌توان گفت که تساهل دارند. در رابطه با ناخرسندی نیز باید گفت انسان در صورتی می‌تواند بگوید با دیگران تساهل دارد که از دیدگاه‌ها و کارهای دیگران ناخشنود باشد ولی با این وجود، با آن‌ها رفتار و برخورد مسالمت‌آمیز داشته باشد. در باب آگاهی نیز باید یادآور شد که تساهل با دیگران در صورتی معنا دارد و ارزشمند است که انسان به اعمال و رفتار آن‌ها آگاه باشد و گرنه در صورت عدم آگاهی به اقدامات و سخنان دیگران و عکس‌العمل نشان ندادن از روی بی‌خبری هرگز مصداق تساهل نیست و در نهایت پیرامون عنصر توانایی در بحث تساهل باید این نکته را گوشزد کرد که وقتی کسی از روی ناتوانی با دیگران مدارا و سازش می‌کند هرگز نمی‌تواند مدعی شود که این اقدام وی مصداق تساهل است.

#### ۴ - حدّ و مرز تساهل در قرآن

حدّ و مرز تساهل در قرآن را می‌توان به دو محدوده‌ی خارجی و داخلی تقسیم کرد و منظور از داخلی و خارجی در این مجال همان محدوده‌ی خارج از دین و محدوده‌ی داخلی دین است. در رابطه با حدّ و مرز خارجی تساهل از نظر دین اسلام شاید بهترین کلام همان باشد که گفته شده است: «دلایل فراوانی وجود دارد مسیحیان عقیده داشتند، ظهور دین اسلام و گرایش مسلمانان به این دین یکی از مصادیق بارز رهایی آن‌ها از زیر سلطه‌ی کلیسا است. حتی برخی از اهل ذمه هم در مسائل حکومتی، باب میل عامه‌ی مردم نبودند. این تسامحی که مسلمانان داشتند، علاوه بر اینکه باعث شد باب مناظره و همفکری در سرزمین‌های اسلامی باز شود، بلکه سبب گشت که اهل کتاب نیز با مسلمانان به همکاری در زمینه‌های مختلف بپردازند. دین اسلام به واکاوی و تقویت عقاید نپرداخت و مسلمانان اختلافاتی که به وجود می‌آمد را البته جز در مواردی که ممکن بود سبب اختلاف گردد، در سایر موارد نوعی رحمت به شمار می‌آوردند و بدون اینکه با هم اختلاف و درگیری پیدا کنند کاملاً مسالمت‌آمیز در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند» (۵).

«منظور از تساهل در حوزه‌ی دین دینی این است که دین اسلام تا چه اندازه با مذاهب و فرقه‌های دینی گوناگون سازش داشت که این مقوله خود از دو نظر می‌تواند مورد واکاوی قرار بگیرد؛ نخست از

۱- پایان نامه‌ی «بررسی مبانی نظری اندیشه تساهل سیاسی در غرب و نقد آن از دیدگاه اسلام» از رضا حامد که در سال ۱۳۷۸ از آن دفاع کرد. در این پژوهش نویسنده به خوانش‌های متعددی از تساهل در اسلام پرداخت، اما در روند کار خویش تعریف واحدی از این مسأله را مدّ نظر قرار نداد.

۲- مقاله‌ی «بررسی و مقایسه‌ی تساهل و تسامح اسلامی با تولرانس مسیحی» از محمد امیر عبیدی نیا و علیرضا مظفری و کمال روحانی، نویسندگان در این پژوهش چنین استنتاج کردند که تساهل در اسلام تفاوت‌های چشمگیری با تولرانس مسیحی دارد و مقوله‌ی تساهل نه به صورت عَرَضی بلکه به صورت ذاتی تفسیر می‌گردد.

۳- مقاله‌ی «مدارا در رفتار سیاسی و حاکمیت علوی» از ابراهیم برزگر و مصطفی بیات. مهم‌ترین نتیجه‌ی این مقاله آن است که مقوله‌ی تساهل در دین اسلام یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در ذیل اخلاق و منش سیاسی تعریف و تبیین می‌گردد و به نوبه‌ی خود به سه دسته‌ی اخلاق سیاسی، رفتار سیاسی و قانون گذاری یا همان تشریح احکام قابل تقسیم است. همچنین تساهل محور اصلی حاکمیت و سیاست داخلی امام علی (ع) را تشکیل می‌دهد.

۴- مقاله‌ی «بررسی تطبیقی مفهوم تساهل و تسامح در اندیشه جان لاک و اندیشه‌های اسلامی مبتنی بر قرآن» از بهرام نصیری و محمد رضا حاجی اسماعیلی. در این مقاله نویسندگان پس از راستی-آزمایی تعریف‌ها و کارکردهای مربوط به دو مقوله‌ی مشترک تساهل و تسامح در اندیشه‌ی جان لاک و اندیشه‌ی اسلامی به این نتیجه رسیدند که تساهل در مکتب فکری اسلام بر پایه‌ی تعالیم قرآنی و در قالب مهوروزی به تمام مردم و نیز گفتگو و هم‌اندیشی و خوش رفتاری با آن‌ها میسر می‌شود.

همان‌گونه که مشخص شد در هیچ یک از پژوهش‌های مذکور نویسندگان به بررسی نمودهای مختلف مقوله‌ی تساهل در دین اسلام نپرداخته‌اند و این امر وجه تمایز مقاله‌ی حاضر و پژوهش‌های فوق است.

#### ۳- معنای لغوی و اصطلاحی تساهل

«تساهل» در لغت از ریشه‌ی «سهل» به معنای آسانی گرفته شده و مصدر باب تفاعل است و با توجه به کاربرد باب تفاعل بر کار دوسویه باید گفت که «تساهل» بر آسان گرفتن دوسویه دلالت دارد» (۱). همچنین در دعا گفته می‌شود «سَهِّلَ اللهُ عَلَیْكَ الْأَمْرَ وَلَكَ» (۲) یعنی خداوند بر تو آسان بگیرد و کارت را راحت کند. در فرهنگ لغت‌های فارسی ذیل این واژه چنین آمده است «تساهل از ریشه‌ی «سهل» و به معنای آسان گرفتن، به نرمی رفتار کردن، سهل گرفتن بر یکدیگر و سهل‌انگاری است و با تسامح به معنای مدارا کردن، فروگذار نمودن و کوتاه آمدن با گذشت و بزرگواری مترادف می‌باشد» (۳). برخی دیگر عقیده دارند که تسامح یعنی «آزادی مخالف عقیدتی و سیاسی در اظهار عقیده و نیز پرهیز از خشونت غیر قانونی درباره‌ی خطاکار و اقدام به عفو اغماض در حدّ ممکن» (۳).

نظر شریعت و احکام فقهی و سپس از نظر احکام مربوط به عقیده و ایمان. تساهل در اسلام در وهله اول بر این اساس است که وضع قوانین بر پایه تساهل یا همان آسان گرفتن باشد به این صورت قوانین به گونه‌ای وضع شوند که همه بتوانند آن‌ها را اجرا کنند. همچنین اگر کسی بنا به هر دلیلی نتوانست یکی از احکام مربوط به نماز، روزه و ... را به جا آورد، یک راه حل آسان دیگری برای او وجود داشته باشد و به عبارتی از روی تساهل با وی برخورد شود؛ مثلاً در سفر نماز را شکسته بخواند یا روزه در سفر بر وی واجب نباشد و ...» (۶).

«اما از نظر احکام مربوط به عقیده و ایمان باید گفت که دین اسلام از نظر مسائل مربوط به ایمان و عقیده تا حدودی تساهل می‌کند اما در این زمینه به خوبی شرایط را سازماندهی می‌کند؛ به این صورت که «هرگز اصول خود را حذف نمی‌کند و از همین راستا همه مکاتب اسلامی تا زمانی که به اعمال و اندیشه‌هایشان به سمت ارتداد و خروج از دین نرود، با آن‌ها از روی تساهل رفتار می‌کند» (۷)؛ از این رو می‌توان گفت تا زمانی که اساس حکومت اسلامی و ارزش‌های عقیدتی و ایمانی حاکم بر آن دستخوش زوال و فراموشی نشود، می‌توان جانب تساهل را رعایت کرد و حاکم جامعه‌ی اسلامی نیز تا این حد و مرز می‌تواند تساهل کند و دست از سخت‌گیری در مسائل مذکور بردارد.

#### ۵ - پیشینه‌ی تساهل در اسلام

همانگونه که بر هیچ کس پوشیده نیست، اسلام دین رأفت و مهربانی و تساهل است و این مسأله در گفتار و رفتار پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) به خوبی نمود یافته و روایات و متون دینی و تاریخی به خوبی این مسأله را تأکید می‌کنند، اما اگر بخواهیم به صورت مستدل و مستند این موضوع را ثابت کنیم باید بگوییم که «سیر تاریخی اندیشه‌ی تساهل به زمان ظهور اسلام می‌رسد و هم زاد با تولد این آیین مقدس است؛ به طوری که آسان‌گیری در مقام مناظره، بحث و گفتگو و نیز در مقام عمل و رفتار در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و در عصر ظهور پیشوایان معصوم و تربیت یافتگان مکتب اهل البیت (ع) جلوه‌گری خاصی داشته است. آیات بی‌شماری در کلام الهی وجود دارد که نوع برخورد و حدود برخورد پیامبر اسلام را با مسلمانان، اهل کتاب و اهل ذمه و کافران در موقعیت‌های مختلف را مشخص می‌کند و سیره‌ی پیامبر و ائمه براساس این کلام صورت می‌گیرد. سیره‌ی عملی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) و سفارش‌های بسیار آن‌ها، که در روایات بازنه‌یافته، به مدارا و مهرورزی با دیگران، شاهد این سخن است. در جوامع اسلامی عده‌ای از دانشمندان مسلمان در اثر مطالعه‌ی آثار متفکران و دانشمندان غربی و یا به دلیل پیشرفت‌های روزافزون علمی و صنعتی و مادی جهان غرب، همان مبانی نظری اندیشه‌ی تساهل غربی را پسندیده‌اند و سعی دارند آموزه‌های دینی را به گونه‌ای تعریف کنند که مخالف تساهل غربی نباشد. چنین تفکراتی در باب تساهل در جوامع اسلامی و به

طور اخص در ایران چندان قدمتی ندارد و تقریباً به اوایل دهه‌ی سی باز می‌گردد. اما عده‌ای دیگر از دانشمندان مسلمان با تأکید بر وجود حقیقت مطلق، مبنای تساهل را تعلیمات قرآنی می‌دانند که این تعلیمات اصالت و محوریت را به «الله» می‌دهد نه به انسان و انسانیت. از دیدگاه قرآن، خداوند حق اصالت دارد نه انسان. بر اساس این مبنای، اگر انسانیت بهره‌ای از اصالت دارد، به دلیل مطابقت آن با حق و حقیقت است و به همین جهت باورها و رفتارها و امیال همه‌ی افراد، به یک اندازه قابل احترام نیستند، بلکه میزان متابعت و مطابقت از حق، مقدار احترام و ارزش آن‌ها را تعیین می‌کند. حق و حقیقت، ملاک تساهل و تعیین‌کننده‌ی حدود آن است. مصداق کامل حق هم خدای متعال و دستورات اوست؛ انسان مرتبط با خدا هیچ گاه از اصالت خود دم نمی‌زند و انسان بریده از خدا، به دلیل فقدان معیار و منبع مشروعیت، اصالتی ندارد. این تفکر در جوامع اسلامی قدمتی به قدمت تاریخ اسلام دارد و با ظهور اسلام متولد شده است» (۸). از آنچه در سطور فوق بیان شد می‌توان چنین استنتاج کرد که هر کسی که بخواهد خاستگاه مقوله‌ی تساهل را در جایی غیر از گستره‌ی دین اسلام جستجو کند، نه تنها وقت خود را هدر می‌دهد و هیچ نتیجه‌ای نمی‌گیرد، بلکه چه بسا پافشاری وی در یافتن خاستگاه دیگری غیر از دین اسلام، خود را به گمراهی بکشاند و غرق در حیرت و سرگردانی شود و در نهایت، نتیجه‌ای جز شقاوت ابدی نصیب وی نگردد.

#### ۶ - مصادیق تساهل در قرآن

۱ - ۶ - دعوت پیامبر (ص) به تساهل در برخورد با مردم در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که در آن‌ها به پیامبر اکرم (ص) توصیه شده است که در برخورد با مردم، با نرمی برخورد کن و از سخت‌گیری بر حذر باش. یکی از این آیات، در ذیل آمده است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹).

ترجمه: به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [= مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آموزش بطلب! و در کارها، با آنان مشورت کن!

در این آیه‌ی شریفه به شخص اول جامعه‌ی اسلامی یعنی پیامبر اکرم (ص) نیز این مسأله گوشزد شده و حتی از وی خواسته شده است که در کارها با مردم مشورت کند و این امر نشان دهنده‌ی ضرورت تساهل و نرمی در گفتار و رفتار با مردم است. همچنین بر این نکته نیز تأکید دارد که پیامبر باید به درک و عقل مردم اعتماد داشته باشد، به آن‌ها احترام بگذارد و از خودرأی بودن بپرهیزد. همچنین لازم است که در تصمیم‌گیری‌های مختلف پیرامون مسائل مربوط به جامعه‌ی اسلامی نیز از مردم نظر بخواهد تا بتواند بهترین راهکار را برای رهایی از مشکلات و معضلات برگزیند و به نوعی مردم را

معادات نمایند، اگر چه با مسلمانان معاهده نموده باشند بر ترک تعرض و بی‌طرف بودن؛ لذا خداوند فرموده کفاری که با شما مقاتلت و معاندت ننموده‌اند اگر به آن‌ها احسانی کنید برای تألیف قلوبشان به اسلام و به عدالت با آن‌ها سلوک نمایید مانعی ندارد، بلکه خوب است؛ چون خداوند نیکوکاران و عدالت‌شعاران را دوست دارد. آنچه ممنوع است مودت و دوستی و اعانت و مساعدت با کسانی است که کفار حربی هستند و سابقه سوء با شما دارند از قبیل مشرکین مکه که موالات و دوستی با آنها ظلم و تجاوز از حق و بی‌جا و بی‌مورد است و ظاهراً "أَنْ تَبْرُوهُمْ وَ تَقْسَطُوا لِيَهُمْ" بدل اشتمال است از "الَّذِينَ لَمْ يقاتلوكم و أَنْ تَوَلَّوْهُمْ" بدل است از "الَّذِينَ قاتلوكم في الدين" و حقیقت ظلم وضع شیء است در غیر موضع خود مانند وضع دوستی بجای دشمنی که بعضی از مسلمانان با مشرکین مکه می‌نمودند» (۱۰). همان‌گونه که پیداست تساهل با دشمنان نیز موجبات آرامش روانی را هم برای شخص و هم برای جامعه در پی دارد و تفسیر مذکور به خوبی به تبیین ارزش تساهل با دشمنان پرداخته است.

### ۶-۳- پایبندی به تساهل در آداب معاشرت

یکی دیگر از جنبه‌هایی که در قرآن کریم از باب تساهل مطرح شده است و به عبارت دیگر مؤمنان باید در رابطه با آن نیز مقوله‌ی تساهل را مد نظر داشته باشند، آداب معاشرت است.

خداوند در قرآن کریم به بسیاری از اصول اخلاقی در هنگام معاشرت با دیگران اشاره فرموده است که بارزترین آن‌ها عبارتند از: اجتناب از اختلاف، اجتناب از اذیت و موارد دیگری از این قبیل و در این راستا آیات متعددی را به این موضوعات اختصاص داده است. از جمله پیرامون اجتناب از اختلاف چنین آمده است:

«وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳)

ترجمه: و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)] چنگ زنید، و پراکنده و گروه‌گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن‌گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، پس شما را از آن نجات داد؛ خدا این‌گونه، نشانه‌های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید.

«این آیه درباره دو طایفه اوس و خزرج نازل شده که صد سال در میان آن‌ها نزاع و کشمکش بوده و نسل بعد نسل در اوقات شب و روز میان آنها جدال و نزاع برقرار بود تا این که خداوند پیامبر اسلام را به ظهور رسانید و آنان، به دین اسلام گرویدند و از برکت

در سرنوشت جامعه سهیم سازد. بدیهی است که این نوع تساهل در رفتار با مردم سبب می‌شود که آن‌ها نیز احترام بیشتری برای پیامبر اکرم (ص) و دین اسلام قائل باشند و با میل و رغبت بیشتری به دستورات اسلام عمل کنند.» در این آیه علاوه بر این که خداوند به نرم‌خویی پیامبر اعظم (ص) در برابر مردم به عنوان رمز موفقیت او اشاره کرده است، به پیامبر دستور می‌دهد از لغزش‌های مردم درگذرد، برای آنها طلب آموزش کند و در کارها با آنها مشورت نماید. همه این توصیه‌ها حکایت از لزوم تسامح و تساهل مثبت با مردم دارد.

### ۶-۲- دعوت پیامبر (ص) به تساهل در برخورد با دشمن

دین اسلام حتی در برخورد با دشمنان نیز پیران خود را به تساهل فراخوانده است و این امر به خوبی نشان دهنده‌ی لزوم پایبندی به این اصل یعنی همان تساهل برای برقراری و پایداری روابط بین افراد در جامعه و حرکت آن به سوی رشد و تعالی است. آیه‌ی شریفه‌ی ذیل به خوبی بر این امر دلالت دارد:

«لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبْرُوهُمْ وَ تَقْسَطُوا لِيَهُمْ إِنْ أَلَّ اللَّهُ بِحَبِّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸)

ترجمه: خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده و شما را از دیارتان بیرون ننمودند نهی نمی‌کند که با آن‌ها نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید، که خدا مردم با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد.

برای بررسی این آیه‌ی شریفه بهتر است که ابتدا شأن نزول آن ذکر گردد که در این رابطه گفته شده است «ابن عباس نقل نموده: قوم «خزاعه» و «بنو مدحج» را با حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم عهد و پیمان بود که هرگز قصد مسلمانان نکنند و دشمنان دین را یاری ندهند و ایشان بر عهد خود ثابت و وزیدند، قصد مسلمانان ننموده و دشمنان دین را حمایت نکردند؛ حق تعالی در باره ایشان فرمود» (۹).

در تفسیر آیه‌ی فوق نیز گفته شده است که «خداوند متعال برای تأکید حسن تاسی و اقتداء به حضرت ابراهیم و پیروان او در معادات با کفار و اشعار به آن که این از لوازم ایمان به خدا و روز جزا است خوبی این تبعیت را برای مسلمانان با قسم تکرار فرموده و تذکر داده که این تاسی نافع به حال خودتان است و خدا بی‌نیاز از خلق و افعال آن‌ها می‌باشد و امید است در آتیه‌ی نزدیکی که فتح مکه پیش آمد، کفار آن‌جا به شرف اسلام مشرف شوند و اقارب و ارحام شما از جمله‌ی آن‌ها باشند و این عداوت مبدل به مودت گردد؛ چون خداوند قادر است و وعده‌ی نصرت به مسلمانان داده و البته از گناهان گذشته شما راجع به مودت با کفار به مقتضای مغفرت و رحمت خود خواهد گذشت، در صورتی که از کرده‌ی سابق پشیمان و عازم بر اداء وظیفه‌ی خودتان در آتیه بوده باشید و ظاهراً بعد از این آیات مسلمانان تصور نموده باشند که باید با کفار

آن، کینه و دشمنی از میان آنان رخت برپست و با هم برادر شدند» (۱۱).

پیرامون تفسیر این آیه چنین گفته شده است که «مشهور بین عامه و خاصه است که پیغمبر فرمود دو ریسمان بین شما و خدا کشیده شده است که یکسر آن دو در دست شما است و یک سر آن در دست خدا است و هرگز از یکدیگر جدا نمی‌شوند و آن دو کتاب خدا و عترت من می‌باشند و نیز از روایات مشهوره بین فریقین است که پیغمبر فرمود امت حضرت موسی هفتاد و یک فرقه شدند بعد از او و امت حضرت عیسی هفتاد و دو فرقه و امت من هفتاد و سه فرقه خواهند شد یک فرقه‌ی آن‌ها در بهشت و بقیه‌ی فرقی در جهنم خواهند بود و از این روایات و روایت مشهور و مسلم دیگر که پیغمبر فرمود مثل اهل بیت من مثل کشتی نوح است که هر کس متوسل به آن شد نجات یافت و هر کس تخلف از آن نمود غرق گشت، ثابت می‌شود که فرقه‌ی ناجیه شیعه‌ی دوازده امامی هستند؛ زیرا که آن‌ها همان افرادی هستند که بین کتاب و عترت جدایی نینداختند و متمسک به حبل ولایت و کتاب شدند و در کشتی نوح نشستند و از طوفان دنیا و آخرت نجات یافتند و تمام عترت طاهره را به قدری احترام کردند که مورد طعن سایرین قرار گرفتند و بعضی گفته‌اند مراد نهی از مطلق تفرق و اختلاف کلمه و ترک الفت است و انصافاً این معنی هم بد نیست که در هر حال باید مسلمین از اتحاد با یکدیگر لاقبل در توحید و رسالت و معاد دست برندارند و هر وقت اختلاف موجب فتور و تزلزلی در این سه اصل اصیل شود با یکدیگر برادر و متحد باشند در دفع اعداء نهایت آنه که بهتر آن بود که همه متوجه به نقطه‌ی حق باشند حال که نشدند نباید ما هم لجاجت کنیم و اساس اسلام را به باد دهیم بلکه باید هر قدر ممکن است از این اصول محافظت کنیم و سکوت ائمه‌ی اطهار و اغماض از حق خودشان و آن همه تحمل مصائب و ناملایمات برای این مقصود بوده و مؤید این معنی است آن که فرموده و یاد کنید نعمت اسلام و امنیت را چون بودید شما در زمان جاهلیت دشمنان یکدیگر پس خداوند به برکت دین اسلام تألیف قلوب شما را نمود پس صبح گردید در صورتی که نعمت الهی شامل حال شما شده بود و برادر و دوست و مهربان با یکدیگر شدید» (۱۰). پس از خوانش دقیق این تفسیر مشخص می‌گردد که مردم باید با یکدیگر بر اساس تساهل برخورد کنند و از اختلاف و تفرقه بپرهیزند و گرنه نتیجه‌ای جز تباهی و هلاکت در انتظار جامعه‌ی اسلامی نخواهد بود؛ چرا که یکی از دلایل اصلی از هم گسیختگی جوامع و ملت‌های مختلف در طول تاریخ، اختلاف نظرهایی بود که در نتیجه‌ی خودخواهی حاصل می‌گشت و به دنبال آن هر کس مایل بود که بر دیدگاه خود پافشاری کند و در نتیجه جنگ‌های متوالی و خونین و گاهی هم چندین ساله صورت می‌گرفت و به حکومت‌های ستمگر پایان می‌داد.

همچنین در رابطه با اجتناب از اذیت در یکی از آیات قرآن کریم چنین آمده است:

«قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى» (بقره: ۲۶۳).

ترجمه: گفتاری پسندیده [در برابر تهیدستان] و عفو [ی کریمانه نسبت به خشم و بد زبانی مستمندان] بهتر از بخششی است که دنبالش آزاری باشد.

این آیه‌ی شریفه نیز ارتباط بسیار عمیقی با مسأله‌ی تساهل دارد و در تفسیر آن گفته شده است که «ردّ سؤال به زبان خوش و ملایم که بآن عذرخواهی و دلجویی از سائل شود و همچنین عفو و اغماض از خطای او اگر در سؤال اصرار یا سوء ادبی نموده باشد بهتر است از عطایی که متعقب به آزار شود این معنی در صورتی است که مراد از مغفرت گذشت بنده باشد، در غیر این صورت گفتار خوش در ردّ سؤال و مغفرت الهی به سبب آن برای رد کننده بهتر است از صدقه متعقب به آزار و خداوند احتیاج به چنین صدقه ندارد و بی‌نیاز از آن است و با آن که چنین صدقه دهنده را باید عقوبت نماید چون حلیم است تعجیل در عقوبت نمی‌کند و شایسته است اگر کسی نمی‌خواهد احسان کند، لاقبل حلم نموده با سائل به خشونت رفتار ننماید».

برخورد نیکو با دیگران نیز یکی از مصادیق بارز تساهل است که به نوبه‌ی خود راه را بر آزار و اذیت می‌بندد و موجبات صلح و آرامش و به تبع آن روابط مسالمت‌آمیز را در جامعه فراهم می‌آورد که در این آیه‌ی شریفه به آن پرداخته شده و به خوبی تبیین گردیده است.

۶-۴- تساهل به هنگام فراخواندن به راه راست  
در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که در آن‌ها به پیامبر دستور داده شده است که به هنگام دعوت مردم به دین الهی از خشونت و تندی بپرهیزد و با ملاطفت و سخن نیکو به آن‌ها هدایت بپردازد؛ به عنوان نمونه آیه‌ی شریفه‌ی ذیل بر صدق این سخن صحه می‌گذارد:

«ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (نحل/۱۲۵)

ترجمه: (ای رسول ما خلق را) به حکمت (و برهان) و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن (وظیفه‌ی تو بیش از این نیست) که البته خدای تو (عاقبت حال) کسانی را که از راه او گمراه شده و آنان را که هدایت یافته‌اند بهتر می‌داند».

«این آیه که در مقام بیان راه‌های دعوت مردم به دین خداست، به سه راه حکمت، اندرز نیکو و مجادله به بهترین روش اشاره کرده است. این امر نشان می‌دهد که در دین‌دار کردن مردم راه دیگری مانند زور و اجبار پذیرفته نیست. جالب این که موعظه را با قید «حسنه» و جدال را با قید «بالتی هی احسن» آورده است؛ یعنی برای دیندار کردن مردم هر نوع موعظه و مجادله، مورد تأیید نیست» (۴).

زشت‌ترین توهین‌ها و خشن‌ترین جنگ‌ها را نسبت به پیامبر و یاران او روا داشتند، اما این‌ها موجب نگرید که پیامبر اکرم پس از پیروزی، در برخورد با آنها از مسیر رأفت اسلامی خارج شود. یکی دیگر از مواردی که دال بر مقوله‌ی تساهل و مدارا در زندگی پیامبر اکرم (ص) است، آن‌جا است که ایشان می‌فرمایند: «أَمِرْتُ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمِرْتُ بِتَبْلِيغِ الرَّسَالَةِ» (۱۲).

ترجمه: همان‌طور که به تبلیغ رسالت مأمور شدم، به تساهل و مدارا کردن با مردم نیز مأمور شدم.

این کلام به خوبی نشان دهنده‌ی اهمیت بسیار بالایی است که تساهل از آن برخوردار است؛ زیرا تساهل با مردم هم‌ردیف با تبلیغ دین اسلام قرار گرفته است و مأموریت پیامبر اکرم (ص) در هر دو زمینه‌ی مذکور به یک اندازه اهمیت دارد.

در جای دیگری به نقل از امام صادق (ع) چنین آمده است که «جَاءَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُبْرِئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ دَارَ خَلْقِي» (۱۳).

ترجمه: جبرئیل علیه السلام نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد پروردگارت سلام می‌رساند و می‌گوید: با مخلوقم مدارا کن.

ایشان در جای دیگری فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَبْعَثْنِي مَعْنَفًا وَلَكِنْ بَعَثَنِي مَعْلَمًا وَمَيَسِّرًا» خداوند مرا مبعوث نکرد که با زور با مردم رفتار کنم بلکه برانگیخت تا معلم و آسان‌گیر برای آنها باشم» (۱۴)

ترجمه: خداوند عز و جل مرا سخت‌گیر نفرستاد، بلکه مرا آموزگار و آسان‌گیر فرستاد.

اگر در مطالب مذکور به خوبی دقت کنیم، می‌توانیم به وضوح به اهمیت بسیار بالای تساهل و تأکیدی که در دین اسلام بر روی این مسأله شده است، پی ببریم. وقتی که خداوند به پیامبر خویش یادآوری می‌کند که باید بر مردم آسان بگیرد و از سخت‌گیری و خشونت به دور باشد، در نتیجه مشخص می‌شود که سایر مخلوقات نیز باید تساهل و نرم‌خویی را سرلوحه‌ی زندگی خویش قرار دهند تا از این طریق جامعه‌ی اسلامی پا بر جا بماند و با حفظ ملاحظت در رفتار و گفتار و به دنبال آن ایجاد وحدت در میان مردم، از خطر متلاشی شدن به دور بماند.

یکی دیگر از مصادیق بارز تساهل در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) آن‌جا است که امام علی (ع) را به مدارا و تساهل با خود دعوت نمودند و خطاب به ایشان فرمودند:

«يَا عَلِيُّ إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرَفْقٍ وَلَا تَبْغِضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ فَإِنَّ الْمُنْتَبِتَ يَعْنِي الْمَفْرَطَ لَا ظَهْرًا أَبْقَى وَلَا أَرْضًا قَطَعَ فَأَعْمَلْ عَمَلَ مَنْ يَرْجُو أَنْ يَمُوتَ هَرَمًا وَاحِدًا حَذَرَ حَذَرَ مَنْ يَتَخَوَّفُ أَنْ يَمُوتَ غَدًا» (۱۳).

ترجمه: «ای علی! همانا این دین متین و محکم است، در او با نرمی وارد شو، و عبادت پروردگارت را مبعوض خود مگردان؛ زیرا خسته‌کننده‌ی مرکوب - یعنی کسی که در راندن مرکوب زیاد روی

یکی دیگر از مصادیق‌های این نوع از تساهل آن‌جا است که خداوند در رابطه با مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر نیز پیامبر را به تساهل فرامی‌خواند. آیه‌ی شریفه‌ی زیر در این زمینه است:

«فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ» (شعراء: ۲۱۶)

ترجمه: اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آن‌چه شما انجام می‌دهید بیزارم».

با درنگ در این آیه‌ی شریفه مشخص می‌شود که خداوند متعال از پیامبر اکرم (ص) می‌خواهد که حتی در برابر سرکشی مردم و نافرمانی آن‌ها از دستورات دین نیز با تساهل برخورد کند و از هرگونه اقدام خشونت‌بار که چهره‌ی دین را نزد مردم مخدوش می‌کند و آن‌ها را از دین بیزار می‌سازد، بپرهیزد و فقط از طریق کلام نرم و به دور از خشم و تهدید، این سرکشی را به آن‌ها تذکر دهد.

#### ۵-۶ - دعوت مسلمانان به تساهل با سایر مردم

این مسأله یکی از مهم‌ترین مسائلی است که در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته و خداوند خطاب به پیامبر اکرم (ص) چنین فرموده است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ \* وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ بَنْصَرَهُ يَا الْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۲ - ۶۱).

ترجمه: و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست و اگر دشمنان به فکر فریب دادن تو باشند البته خدا تو را کفایت خواهد کرد، اوست که به نصرت خود و یاری مؤمنان تو را مؤید و منصور گردانید.

در همین راستا است که همه‌ی کسانی که ایمان آورده‌اند را به صلح و آرامش دعوت می‌کند و در قرآن کریم خطاب به آن‌ها می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً» (بقره: ۲۰۸).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید همگی در صلح و آشتی درآیید. با تأمل در این آیه‌ی شریفه مشخص می‌گردد که خداوند به همه‌ی افرادی که ایمان آورده‌اند را به صلح و آرامش دعوت کرده و به نوعی آن‌ها را از جدال و اختلاف بر حذر داشته است و این امر یکی از نشانه‌های اهمیت مقوله‌ی تساهل است که بر همگانی بودن آن تأکید می‌کند.

#### ۷ - مصادیق تساهل در روایات اسلامی

گذشته از آیات قرآن، مصادیق تساهل را می‌توان در روایات اسلامی نیز پیدا کرد که برخی از آن‌ها در ذیل آمده است:

#### ۷-۱ - تساهل در رفتار پیامبر اکرم (ص)

اگر بخواهیم به زندگی پیامبر اکرم (ص) با محوریت مقوله‌ی تساهل نظری بیفکنیم باید به وارد متعددی اشاره کنیم از جمله اینکه «بزرگ‌ترین نمونه عفو و گذشت پیامبر اکرم (ص)، عفو عمومی مردم مکه پس از فتح مکه است؛ مردمی که بدترین برخوردها،

و ایشان را الگوی خویش قرار دهیم تا ما نیز بتوانیم در کوچک‌ترین اقدامات فردی و اجتماعی خود راه تساهل را در پیش بگیریم.

#### نتیجه‌گیری

پس از بررسی مقوله‌ی تساهل از نظر لغوی و اصطلاحی و نیز واکاوی آن در قرآن کریم و روایت‌های اسلامی اینگونه برداشت شد که قرآن کریم به صورت کاملاً گسترده و همه‌جانبه به این موضوع اهتمام داشته و مصادیق گوناگونی برای آن ذکر کرده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

دعوت پیامبر (ص) به تساهل در برخورد با مردم، دعوت پیامبر (ص) به تساهل در برخورد با دشمن، پایبندی به تساهل در آداب معاشرت، تساهل به هنگام فراخواندن به راه راست، دعوت مسلمانان به تساهل با سایر مردم. همچنین در سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) نیز نمود بارز مسأله‌ی تساهل دیده می‌شود؛ به عنوان مثال آن زمان که پیامبر اکرم (ص) بعد از فتح مکه تمام مردم را مورد عفو و بخشش قرار دادند و از تمام بدی‌ها، گناهان و توهین‌هایی که آن‌ها مرتکب شده بودند، چشم‌پوشی کردند. همچنین ایشان در جای دیگری امام علی (ع) را به تساهل دعوت کردند و البته که امام علی (ع) نیز به این مسأله کاملاً پایبند بودند و در توصیه به مالک اشتر، وی را به سازش حتی به هنگام نماز جماعت خواندن نیز سفارش کردند.

پرواضح است که در فرهنگ قرآنی و دینی ما، تساهل در برخورد با دیگران بیش از تساهل فردی نمود دارد و آن‌گاه که مردم در ارتباط با هم جانب تساهل و سازش را مراعات کنند، هم به آرامش فردی می‌رسند و هم جامعه‌ای آرام و بدون دغدغه خواهند داشت و در چنین فضای مناسبی می‌توانند زندگی مسالمت‌آمیزی را تجربه کنند.

## References

### Holy Quran

### Nahj al-Balagha

1. Anis, Ibrahim, (1427), al-Mujajm al-Wasit, second edition, Tehran: Al-Mortazavi School.
2. Moin, Mohammad, (1360), Farhang Moin, 4th edition, Tehran: Amirkabir Publications.
3. Aghajani Qanad, Mohammad Reza, (1387), the term definition of tolerance and tolerance from the perspective of Imam Ali (AS), Ilam: Ilam University Press.
4. Nikzad, Abbas, "Tolerance and Tolerance in the Teachings of the Great Prophet, may God's prayers and peace be

کرده - نه مرکوب باقی گذاشته و نه مسافت پیموده، پس عمل کن مانند عمل کسی که امید دارد در پیروی بمیرد (یعنی مستحبات را با رفق و تأنی انجام ده و فکر کن تا پیروی راه دوریست، یا مقصود این است که با زیادی روزه و بیدار خوابی خود را لاغر و نحیف مکن) و پرهیز کن مانند کسی که می‌ترسد فردا بمیرد (یعنی نسبت به پرهیز از محرّمات خیال کن فردا می‌میری و کوچک‌ترین آن‌ها را هم به خود اجازه مده و مگو وقت مردن توبه خواهم کرد)» (۱۵). از این کلام رسول اکرم (ص) چنین برداشت می‌شود که آدمی باید با خودش نیز رفتاری همراه با تساهل داشته باشد و حتی در انجام عبادت‌های روزانه نیز بر خود سخت نگیرد و البته از این مسأله هم غافل نباشد که آخرتی در کار است و وی باید نتیجه‌ی اعمال خود را در عالم پس از مرگ ببیند؛ به همین دلیل در عین حال که دستورات دینی و عبادت‌های خود را با تساهل انجام می‌دهد، از آخرت خویش نیز غفلت نکند و به گونه‌ای عمل کند که به هنگام مرگ خیالش راحت باشد که هم در دنیا با آسایش و راحتی زندگی کرده است و هم در آخرت در آرامش ابدی خواهد بود و همچنین هم خداوند از اعمال وی خشنود است و هم بندگان خدا از وی کوچک‌ترین آسیب و گزند ندیده‌اند.

#### ۷-۲- تساهل در رفتار امام علی (ع)

یکی از نمونه‌های تساهل در اندیشه‌ی امام علی (ع)، برخورد نرم و مسالمت‌آمیز امام جماعت است که امام علی (ع) به خوبی این مسأله را به مالک اشتر یادآوری کرده که وقتی به عنوان امام جماعت نماز می‌خواند باید چه رفتاری داشته باشد و در این راستا چنین فرموده است:

«وَإِذَا قُمْتَ فِي صَلَاتِكَ لِلنَّاسِ، فَلَا تَكُونَنَّ مُتَفَرِّقًا وَلَا مُضَيِّعًا، فَإِنَّ فِي النَّاسِ مَنْ بِهِ الْعِلَّةُ وَلَهُ الْحَاجَّةُ؛ وَقَدْ سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) حِينَ وَجَّهْتَنِي إِلَى الْيَمَنِ كَيْفَ أَصَلِّي بِهِمْ؟ فَقَالَ: صَلِّ بِهِمْ كَصَلَاةِ أَوْعَفِهِمْ وَكُنْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا» (نهج البلاغه/ نامه ۵۳).

ترجمه: هنگامی که نماز به جماعت می‌خوانی، نه با طولانی کردن نماز، مردم را بپراکن و نه آن که آن را تباہ سازی، زیرا در میان مردم، بیمار یا صاحب حاجتی وجود دارد. آن‌گاه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرا به یمن می‌فرستاد از او پرسیدم، با مردم چگونه نماز بخوانم فرمود: در حد توان ناتوانان نماز بگذار و بر مؤمنان مهربان باش.

از این توصیه‌ی امام علی (ع) می‌توان این نکته را به خوبی درک کرد که ایشان عقیده دارند حتی به هنگام عبادت کردن نیز نباید بر دیگران سخت‌گیری کرد تا مبادا مردم از دین اسلام و عبادت خداوند دلزده و به این ترتیب از راه راست نیز گریزان شوند. همین یک نمونه کافی است تا بتوانیم توجه ویژه و پایبندی امام علی (ع) به مقوله‌ی تساهل را به وضوح درک کنیم و توجه فراوان و دقیق این امام همام به تساهل را در سایر مسائل اجتماعی نیز تعمیم دهیم



upon him, and its differences with tolerance and tolerance in Liberalism", *Andisheh-e-Kareem Magazine*, Winter 2016, No. 9, pp. 122-93.

5. Zarrin Koob, Abdul Hossein, (1372), *Step by Step to Meeting God*, 5th edition, Tehran: Scientific Publication.

6. Khalid, Amr, (1390), *Towards coexistence*, translated by: Ebrahim Saedi Roudi, Taibad" Vase Publishing House.

7. Ahmadian, Abdullah, (1384), *New Word*, Mahabad: Rahro Publishing.

8. Barzegar, Ebrahim and Mustafa Bayat, "Tolerance in political behavior and Alevi rule", *Islamic Revolution Approach scientific research quarterly*, 13th year, number 46, spring 2018, pp. 117-140.

9. Hosseini Shah Abdul Azimi, Hossein, (1363), *Tafsir Ezni Ashri*, Tehran: Miqat Publications.

10. Thaqfi Tehrani, Mohammad, (2018 AH), *Tafsir Rovani Javid*, Tehran: Burhan Publications, third edition.

11. Muhaqq, Mohammad Baqer, (2004), a sample of insights regarding the revelation of verses according to Sheikh Tusi and other private and public commentators, Tehran: Andisheh-e-Islami Publications.

12. Nahj al-Fasaha, (1379), with the thematic arrangement of Farhang Islamic Publishing House, fifth edition.

13. Kilini, Muhammad bin Yaqub, (Beta), *Al-Kafi*, 4th edition, Qom: Dar al-Kitab al-Islamiyyah.

14. Ibn Abd al-Barr, Abu Umaryusuf, (1421), *al-Astazkar*, (nine parts), research: Salem Muhammad Atta, Muhammad Ali Mouwad, Beirut: Dar al-Kutub al-Elamiya.

15. Mustafavi, Seyyed Javad, (1369), translated by Al-Kafi, Tehran: Islamic Science Book Store